

بسمه تعالی

«سیره و گفتار امام صادق (ع) در حوزه اخلاق اجتماعی متناسب با مقتضیات عصر حاضر»

نسخه ۹۸/۵/۱۷

تدوین مبانی تعلیم و تربیت عصر حاضر در پرتو اندیشه های نظری و عملی امام صادق (ع)

حمیدرضا آیت اللهی

مقدمه:

آموزه های تربیتی امام صادق (ع) بگونه ای نیست که ایشان در نظر داشته باشند در یک چهارچوب علمی، نظام تربیتی خاصی را ارائه کنند. چرا که ایشان از نظام تربیتی و تعلیمی، تغییر انسانها و تاثیر گذاری برای تعلیم و تربیت را در نظر دارند. ائمه معصومین (ع) هدایتگری را مساله اصلی نظام تعلیم و تربیت خود می دانند نه ارائه نظریاتی کلی در باب تعلیم و تربیت. اما این نظام عملی ایشان که بیشتر جنبه تجویزی دارد تا جنبه توصیفی، دارای مبانی فکری است که می توان از مجموعه دستورالعملهای ایشان، آنها را استخراج کرد. این ما هستیم که بر اساس مجموعه آموزه های ایشان باید بتوانیم نوع نگرش ایشان را به تعلیم و تربیت استخراج کنیم. ذکر نظام تربیتی ایشان به معنای آن نیست که ایشان چنین نظام تربیتی را بیان کرده اند بلکه به این معناست که ما بر اساس مجموعه آموزه های ایشان توانسته ایم نظریاتی در باب نحوه نگرش تربیتی ایشان ارائه کنیم. در نتیجه هر اندیشمندی می تواند در قالب های فکری خاص خود، درباره مبانی تعلیم و تربیت امام صادق (ع) نظریه پردازی کند. بدیهی است برخی از این نظریات می تواند مزایا و

معايي را نسبت به نظريات ديگر داشته باشد، اما آنچه اهميت دارد آن است كه هر نظريه اي بتواند نحوه استناد خود را به آموزه هاي ايشان نشان دهد؛ و همچنين بياني از آن بزرگوار در تضاد با نظريه او نباشد. بدین وسیله با ارتقاء نظريات و چهارچوب بندي هاي سازگارتر با فرمايش آن بزرگوار، نظريه تعليم و تربيتي كامل تر و متناسب تري را مي توان ارائه كرد. متاسفانه برخي نويسندگان جامعه ما كه يك برداشت شخصي از نظام تربيتي آن بزرگوار دارند، آن چهارچوب شخصي را به «نظر امام صادق (ع) در باب مباني تعليم و تربيت» عرضه مي كنند. بديهي است هر نظريه اي مي تواند در معرض ابطال قرار گيرد (وگرنه نظريه نمي شد) و اگر نظريه آنها به هر نحوي ابطال شد نبايد چنين نتيجه دهد كه نظريه امام صادق (ع) درباره نظام تربيتي و مباني آن زير سوال رفته است، بلكه به معنای آن است كه آن نويسنده نظريه ناقصي را از ديدگاههاي امام صادق (ع) استنباط کرده است؛ و نظريات ديگر مي تواند كفايت تجربي و سازگاري دروني بهتري را داشته باشند كه متفكران سپس تر بايد آن را بارور كنند.

با توجه به مقدمه پيش گفته، آنچه در اینجا به عنوان مباني تعليم و تربيت از ديدگاه امام صادق (ع) ارائه مي شود مجموعه برداشت هاي نويسنده اين سطور از مجموعه آموزه هاي تربيتي آن بزرگوار است، بگونه اي كه با مجموعه گفته هاي ايشان سازگار است و از لحاظ تجربي نيز كفايت لازم را از جهت هاي گوناگون داراست. ولي مي توان نظريه هاي ديگري سازگارتر و مجرب تر نيز ارائه كرد.

نظريه اي درباره مباني تعليم و تربيت در آموزه هاي نظري و عملي امام صادق (ع)

از مجموع سيره و گفتار امام صادق (ع) مي توان ويژگي هاي زير را به عنوان منظومه فكري ايشان استخراج كرد. اين چهارچوب نظري مي تواند با بسياري نظريات تربيتي موجود در فضاي علمي اين رشته دانشگاهي تفاوتهايي داشته باشد؛ و آن نيز به علت تفاوت نگرش ايشان در تعليم و تربيت بانگرش هاي علمي جهاني است. پس اگر بخواهيم ديدگاه ايشان را بخوبي بشناسيم بهتر آن است كه تفاوت آن را با نظريات تربيتي غالب در جهان نشان دهيم و مزيت آن را بگوئيم. در محورهايي كه براي مباني تعليم و تربيت از ديدگاه امام صادق (ع) بيان خواهيم كرد سعی خواهد شد نشان داده شود كه آموزه هاي ايشان چه تمايزي را با نظام هاي تربيتي غربي دارد.

در اين نظريه محورهاي اصلي ديدگاههاي تربيتي امام صادق (ع) را مي توان داراي مباني فكري به شرح ذيل دانست:

الف - ویژگی های زیستی و روحی و معنوی انسان:

معمولا نظریه پردازان تربیتی وقتی بخواهند یک نظام تربیتی ارائه کنند، ابتدا سعی می کنند ویژگی های شخصیتی انسانی را بیان کنند و سپس دستورهای تجویزی خودشان را بر اساس تحلیلی که از واقعتهای شخصیت انسانی بدست آورده اند ارائه کنند. یکی از مهم ترین مسائل در شناخت ویژگی های شخصیتی انسان این است که این ویژگی ها بتدریج برای بشر حاصل می شود. یعنی توانایی های انسانی از دوران طفولیت تا دوران بلوغ و دوران پختگی در حال تغییر به سمت تکمیل شدن است. بدیهی است انسان در دوران کودکی برخی ویژگی ها را ندارد و بتدریج یک به یک آنها را بدست می آورد. لذا در دوران کودکی نمی توان دستورالعملهای دوران بزرگسالی را ارائه کرد. یک نظریه تربیتی خوب باید بتواند متناسب با هر دوران از زندگی انسان ملاحظات متفاوتی را در جهت رشد بشر ارائه دهد. از این نظریات به نظریات رشد تعبیر می شود.

دستورالعمل هایی که معصومین برای هدایت و تعلیم و تربیت مومنان ارائه می فرمایند، مبتنی بر ویژگی های زیستی و معنوی انسان در دورانهای مختلف زندگی اش است. برخی آموزه های امام صادق علیه السلام ناظر به تشریح خصوصیات بشری در مقاطع مختلف زندگی انسان است و برخی ناظر به دستورهای تجویزی برای رسیدن به کمال انسانی در هر دوران است. به همین جهت ایشان هم ویژگی های دوران کودکی را بخوبی ترسیم می کنند و هم متناسب با آن نظام تربیتی خویش را ارائه می فرمایند. یکی از مهم ترین پایه های نظام تربیتی ایشان و سایر معصومین ارائه شیوه تربیتی برای سنین مختلف است. ایشان سه مرحله رشد برای کودک و جوان را متذکر می شوند که سه نوع برخورد متفاوت را برای والدین و مربی ایجاد می کند:

الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین (کافی ج 6 صص 46-47)

کودک هفت سال بازی می کند و هفت سال خواندن و نوشتن می آموزد و هفت سال حلال و حرام را می آموزد.

کودک در هفت سال اول زندگی اش باید با بازی کردن به تکمیل کارکرد حواس پنجگانه اش بپردازد، به تمرین برای مشارکت با دیگران، به بالابردن قدرت نطق و توانایی درک زیبایی ها همت کند. در این دوران، هرگونه آموزش نوشتن و خواندن و یا شناخت واقعیت های علمی نتیجه مطلوب برای او نخواهد داشت. نکته مهمی که امام صادق (ع) متذکر می شوند مساله بازی است و ایجاد امکان برای کودک تا آزادانه با بازیگوشی خود بتواند امکان تعامل با طبیعت و انسانهای دیگر را پیدا کند. روایت دیگری از پیامبر (ص) ناظر به اهمیت بازیگوشی در دوران طفولیت است؛ ایشان در آن روایت عواقب نامناسب جلوگیری از بازیگوشی طفل را متذکر شده اند. این توجه به بازی، تقریباً محور نظام های تربیتی قرن اخیر است.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

دع ابنک یلعب سبع سنین (همان)

بگذار فرزندت هفت سال بازی کند.

بعد از تکمیل قوای جسمانی و روانی کودک در هفت سال اول، دیگر وقت فراگیری توانایی های فکری است. او باید به افزایش ذخیره فکری خود همت بگمارد که دیگر با بازیگوشی حاصل نخواهد شد. او باید تجربیات انباشته دیگران را به اندوخته های فکری خود بیفزاید و این یعنی همت کردن برای آموزش. حال چه نوع آموزشی برای او در این سنین لازم است؟ نظام های آموزشی فعلی در جهان، یادگیری را به دانش هایی کاذب نیز بسط می دهند. دانش هایی که تاثیر مثبتی در آینده دانش آموز ندارد. اما امام صادق (ع) محتوای این آموزش را چنین ترسیم می کنند:

اولی الاشياء ان يتعلمها الاحداث الاشياء التي اذا صاروا رجالا احتاجوا اليها
(شرح ابن ابی الحديد 20، کلمه 817، ص 333)

بهترین مطالبی که شایسته است نوجوانان یاد بگیرند چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشد.

با توجه به تفاوت های فردی نوجوانان، هریک باید ببیند در دوران بزرگسالی چه مسیری را دنبال می کند تا تعالیمی که باید در دوران کودکی یادبگیرد را بشناسد.

در مرحله دوم، دانش آموز باید درصدد فراگرفتن احکام توصیفی باشد. اندوخته های خود را تا آنجا که می تواند و نیاز دارد بیفزاید، اما او در این دوران قادر به تنظیم زندگی خود نیست. او نمی تواند بیندیشد باید چه مسیری را دنبال کند. او برای ساخت شخصیت خود نمی تواند نگاه جامع به زندگی داشته باشد. در نتیجه از

او خواسته نمی شود که به فراگیری احکام تجویزی یا حکمت عملی بپردازد. اگر هم به این مسائل توجه می کند از باب معرفت به چنین نوع زندگی کردن است. اما احکام تجویزی وقتی کارآمد می شوند و در نوجوان نهادینه می گردد که خود به آنها بیندیشد و آنها را انتخاب کند. به همین جهت است که امام صادق (ع) فراگیری حلال و حرام را به دوران سوم منتسب کرده اند. اگر در دوران هفت سال دوم خوبی و بدی ها را می شناخت و به آنها آگاهی پیدا می کرد، در دوران هفت سال سوم باید ها و نباید ها را باور می کند و مسیر زندگی خود را بر آن اساس تنظیم می کند. اطلاع از «خوب و بد» با عمل بر طبق «بایدها و نبایدها» فرق می کند. حلال و حرام اعم از خوب و بد است. چرا که هر خوبی جزء حلالها قرار می گیرد و هر بدی نیز در سلک حرامها؛ ولی حلال و حرام دینی دامنه گسترده تری نسبت به اخلاق دارد که بخشی از دین است. لذا نه تنها اخلاقیات که احکام شرعی را نیز باید به عنوان باید و نباید های زندگی اش فرا بگیرد و بفهمد و با انتخاب خویش آنها را بپذیرد.

امام صادق همین دستور را بگونه ای دیگر نیز بیان کرده اند:

**دع ابنک یلعب سبع سنین و یودب سبع سنین و الزمه نفسک سبع سنین
(وسائل ج 5، ص 125)**

فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار بازی کند و هفت سال بر فراگیری ادب و روشهای مفید ادب شود، و در هفت سال سوم مانند یک رفیق صمیمی مصاحب و ملازمش باش (تا با کمک تو، خود زندگی درست را انتخاب کند).

ب- توجه به هدف زندگی: آنچه از آموزه های تربیتی امام صادق (ع) مستفاد می شود این است که تربیت در نظر ایشان با توجه به هدف زندگی و آینده نگری و بینش نسبت به اهمیت رسیدن به بهترین دست آورد برای زندگی تبیین می شود. به همین جهت متذکر می شوند که اگر انسان بدون توجه به هدف زندگی و عاقبت خود تلاش کند، بسیاری از تلاشهایش از بین خواهد رفت و در نهایت به عاقبتی دچار می شود که خود هیچگاه نمی خواست:

**العامل علی غیر بصیره کالسانر علی غیر طریق لاتزیده سرعه السیر الا بعدا
(کافی ج 1، ص 43)**

کسی که بدون بصیرت و دانایی نسبت به هدف دست به کاری می زند، مانند رهروی است که در بیراهه می رود و او هر قدر بر سرعت خود بیفزاید به همان نسبت از مسیر اصلی دور می شود.

ایشان با بیان روایتی از پیامبر اکرم (ص) عاقبت اندیشی را بهترین ملاک برای انتخاب مسیر زندگی می دانند:

ان رجلا اتی النبی صلی الله علیه و آله، فقال: یا رسول الله اوصنی؛ فقال له رسول الله:..... فانی اوصیک اذا انت هممت بامر فتدبر عاقبته، فان یک رشدا فامضه، و این یکن غیا فانتہ عنه. (روضه کافی، ص 150)

امام صادق علیه السلام فرمودند: مردی شرفیاب محضر رسول اکرم شد، عرض کرد: یا رسول الله به من سفارشی بفرما. حضرت از او پرسیدند: اگر توصیه کنم آیا به آن عمل می کنی؟ و این سوال را سه بار تکرار کردند و مرد درخواست کننده در هر سه نوبت، جواب داد: بلی یا رسول الله. آنگاه پیامبر اکرم فرمودند: سفارش من به تو این است که هر وقت خواستی برای انجام کاری تصمیم بگیری قبلا به عاقبت آن کار فکر کن و نتیجه اش را در نظر آور، اگر دیدی حق و شایسته است اقدام کن، اگر ناشایست و برخلاف حق بود از انجام آن خودداری نما.

انسان در این عاقبت اندیشی و آینده نگری هم برای دنیای خود فکر خواهد کرد و هم برای آخرت خود. دنیایش را بگونه ای تنظیم خواهد کرد که آخرتش هم نیکو باشد. و این یعنی خود انسان با وجدان پاکش باید درباره عاقبت زندگی اش بیندیشد و از اهداف کاذبی که دیگران یا نظام های تربیتی دیگر بر ای انسان در نظر می گیرند پرهیز کند.

ج- ارائه نظام ارزشی:

نظام های تربیت و تعلیم مرسوم جهانی بدنبال ارائه شیوه های تعلیمی و تربیتی کارآمد و نتیجه بخش هستند ولی نتیجه آن چه باشد و با چه ملاکی سنجیده گردد چندان مورد بحث قرار نمی گیرد. این نظامها بطور ضمنی ارزشهایی را برای انسان پررنگ می کنند و ارزشهایی را کم رنگ، تا یک نظام ارزشی برای انسان بسازند. مثلا اغلب نظام های ارزشی فعلی دنیا از یک ارزش بسیار مهم سخن می گویند بنام باور به

تکثرگرایی ارزشی. در نظام های تربیتی دنیا یک فرد باید بگونه ای پرورش یابد که اعتقادهای دیگران را هرچه باشد احترام بگذارد. این یعنی ملاکی برای حق و باطل نداریم و نمی توان با ملاک حق و باطل درباره دیگران قضاوت کرد. این ارزش یکی از محوری ترین اصول ارزشی غرب است. حال آیا می توان یک نظام تربیتی را بدون در نظر گرفته ارزشهای پیدا و پنهانی که القا می کند پذیرفت. امام صادق علیه السلام به اهمیت نظام ارزشی که در آن مبنا حق و باطل باشد تاکید می کنند. یک مومن باید نظام ارزشی داشته باشد که در آن خوب و بد امور تعریف شده باشد و اگر کسی مسیری کاذب و خطرناک برای معنویتش و آخرتش را انتخاب کند باید به تصحیح نظام ارزشی او همت گماشت. اصولاً مهم ترین آموزه برای دین و اولیاء دین ارائه نظام ارزشی متعادل و همه جانبه است. حال ببینیم امام صادق چگونه ارزشهایی را برای نظام ارزشی یک فرد لازم می دانند. بر این اساس، مجموعه ای از انواع ارزشهایی که ایشان در مجموعه آموزه های خویش به آن پرداخته اند ذیلاً ارائه می شود. در این نظام حتی میزان توجه به هریک از ارزشها که یکی از دغدغه های ایشان بوده است پرداخته شده است تا در متعادل سازی این نظام هم راه چاره ارائه فرمایند.

د- اصول ارزشی در تعلیم و تربیت:

۱- درک محدودیت های خود و توجه به تفاوت های فردی: در آموزه های امام صادق علیه السلام ایده آل اندیشی برای همه انسانها پسندیده قلمداد نمی شود، بلکه توجه به محدودیتهایی که هر فرد دارد اهمیت داده می شود. لذا ایشان ما را به تفاوت های فردی مان توجه می دهند که متناسب با آن باید تربیت صورت پذیرد:

ما من شیئی الا و له حد (تحف العقول، ص 361)

هیچ موجودی نیست مگر این که برای آن حد مخصوصی مقرر است. بی توجهی به محدودیت های فردی و توقع نابجا داشتن از خود بسیاری از مشکلات تربیتی را برای انسانها بوجود می آورد. تذکر آن بزرگوار برای آن است که بجای تقلید از راه رفتن کبک، باید تمامی توان خود را در معرض محدودیت های استعدادی خویش قرار دهیم.

لو ان العباد اذا جهلوا وقفوا و لم یجهدوا، لم یکفروا (کافی ج 2، ص 388)
اگر بندگان خدا در مقابل آنچه نمی دانند توقف کنند و انکارش نمایند، به کفر و بی دینی مبتلا نمی شوند.

یکی از محدودیت های فردی یک مربی معرفت اوست. معرفت خاصیت انباشتی دارد. ولی اقدام و عمل در مواردی که معرفت انسان بخوبی به محدوده آن کار نرسیده است مربی را به قضاوت های نابجایی می کشاند که ناشی از نقص معرفتی اوست. این فرد در قضاوت هایش از حق تعدی خواهد کرد و نهایتاً به کفر خواهد انجامید. مربیان باید «نمی دانم» را به مربیان خود یاد دهند و صبر در قضاوت را در آنها نهادینه کنند تا به انواع انحرافها دچار نگردند.

قال قال رسول الله (ص): رحم الله من اعان ولده على بره. قال قلت كيف يعينه على بره؟ قال يقبل الميسوره و يتجاوز عن معسوره و لا يلحقه و لا يخرق به (كافي ج 6، ص 50)

امام صادق (ع) فرمودند که رسول اکرم (ص) فرموده اند: خداوند رحمت کند کسی را که در نیک شدن به فرزند خود کمک کند. پرسیده شد: چگونه بر نیکی او را یاری کند؟ حضرت فرمودند: آنچه که کودک در توان دارد و انجام داده است از او قبول کند، آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرساست از او نخواهد، و به او ستم نکند و او را به نادانی و حماقت نیندازد.

پدر به عنوان یکی از مربیان همراه کودک بجای مقایسه فرزندش با خود و دیگران، در ابتدا باید محدودیت های او را درک کند و نه تنها بیش از ظرفیت از او نخواهد بلکه موفقیت کودک را با میزان توانایی های او بسنجد. چه بسا کاری در محدوده افراد عادی کار بزرگی نباشد ولی در محدوده توان یک کودک کاری بسیار ارزشمند و قابل تحسین باشد. متأسفانه نظام تربیتی جامعه ما که به رتبه های دانش آموزان در کلاس اهمیت می دهد این دستور امام صادق (ع) را نادیده گرفته است. نتیجه فعالیت یک فرد اهمیت کمی دارد، آنچه مهم است این است که نسبت آن نتیجه با محدوده استعدادهای فرد ارزیابی شود. نکته دیگری که ایشان در این روایت اشاره می فرمایند توجه به عزت فردی کودک متناسب با محدوده توانایی های اوست. رفتارهای پدر و مربی نباید باعث شود عزت فردی او لطمه ببیند و او خود را نادان و کودن درک کند.

۲- امید و نشاط متعادل برای فعالیت: یکی از مبانی تربیتی که امام صادق (ع) ترسیم می فرمایند داشتن امید و نشاط متعادل برای کار است. هرگونه تنبلی و کسالت در زندگی انسانی را مردود اعلام می کنند.

ایاک و الضجر و الكسل؛ انهما مفتاح کل سوء. انه من کسل لم یود حقا و من ضجر لم یصبر علی حق. (وسائل ج 4، ص 105)

از افراط در کار و تلاش بیش از حد بپرهیز و همچنین از سستی و مسامحه کاری اجتناب نما؛ که این هر دو، کلید تمامی بدیها و بدبختی هاست. زیرا افراد مسامحه کار انجام وظیفه نمی کنند و حق کار را آن طور که باید ادا نمی نمایند؛ و افراد زیاده رو، در مرز حق توقف نمی نمایند و از حدود مصلحت تجاوز می کنند.

در روال تربیتی جامعه ما نتیجه فعالیت متربی اهمیت دارد و تمامی تلاش مربی رساندن متربی به نتایج مطلوب است، در حالی که فرآیند فعالیت نیز به اندازه همان نتیجه اهمیت دارد. اگر نتیجه ای حاصل شود ولی در فرآیند انجام عمل رضایت و بهجت از انجام آن کار صورت نپذیرد ارزش این فعالیت و نتیجه به شدت کاهش می یابد و توقعی که از نتیجه داریم در مراحل بعدی محقق نخواهد شد. امام صادق (ع) در این دستورالعمل تاکید بر فرآیند را متذکر می شوند. این فرآیند نه باید با دلزدگی و کسالت باشد و نه باید با رغبت های بی مبنای افراطی کار را از مسیر حق منحرف سازد. ایشان تاکید می کنند که زیاده روی و کسالت معیاری برای ارزش داشتن نتیجه است. حصول نتیجه باید با این معیار هم سنجیده شود.

لیکن طلبک المعیشه فوق کسب المضیع و دون طلب الحریص الراضی بدنیاه المظمن الیها (مجموعه ورام ج 1، ص 13)

تلاش تو در راه کسب معاش باید بالاتر از کسی باشد که بر اثر سستی حق کار را ضایع کرده است و پائین تر از حریصی باشد که به زیاده روی و افراط گرائیده است، حریص و فرومایه ای که تنها به دنیای خویش دلگرم و مسرور است و اطمینان خود را به دنیا گره زده است.

یکی از آموزه های انبیاء و اولیاء دوری از افراط و تفریط است. امام صادق (ع) در این روایت دستور به رعایت تعادل در زندگی معیشتی انسان می کنند تا نه دنیا گریزی باعث سستی و کسالت گردد و نه نشاط فعالیت باعث حرص و زیاده روی انسان گردد. مریبان همواره باید

مواظب باشند که متربی را در مسیر نگه دارند و جنبه ای از تربیت آنها باعث در غلطیدن به جنبه های افراطی و یا تفریطی متربی نگردد.

کنوز الله فی ارضه و مافی الاعمال شیء احب الی الله من الزراعه....(وسائل ج4، ص103)

گنجهای الهی در زمین نهفته است و هیچ کاری نزد خداوند محبوبتر از زراعت نیست.

ازرعوا و اغرسوا و الله ما عمل الناس عملا احل و لا اطیب منه (بحار ج23، ص20)

زراعت کنید و درخت بکارید. بخدا قسم هیچ عملی مباح تر و پاکیزه تر از آن نیست...

در دو روایت فوق حضرت از روش توصیه و تشویق در تربیت استفاده کرده اند تا ضمن توصیه مشخص سازند که نشاط فعالیت در تفکر شیعی از اهم روشهای تربیتی است.

لا تکرهوا الی انفسکم العباده (کافی ج2، ص85 و 86)

عبادت خداوند را با وجود خستگی و بی میلی برخورد تحمیل ننمایید.

اوحی الله عز و جل الی داود (ع): یا داود بی فافرح و بذکری فلتذ و بمناجاتی فتنعم (امالی صدوق، ص118)

خداوند به حضرت داود وحی فرستاد که ای داود به من بیندیش و شاد باش، بایاد من معنای لذت را بچش، و با مناجات من متنعم شو.

از آنجا که یکی از مهم ترین ابعاد تربیت، تربیت دینی و عبادی افراد است، امام صادق (ع) مقید بودن به عبادت را برای تربیت دینی کافی نمی دانند بلکه نشاط و سرزندگی در انجام عبادات را اصل مهمی در انجام عبادات می دانند. ایشان در روایت دوم تاکید می کنند که علی رغم اینکه بسیاری از مردم عادی لذت و نشاط عبادت را درک نمی کنند، خاصان اولیاء نه تنها در انجام عبادات با نشاط هستند بلکه نتیجه عبادتشان نیز شادمانی و لذتی وصف

ناشدنی برای آنها برایشان به ارمغان خواهد آورد. پس در تربیت دینی هم نشاط و عدم کسالت در فرآیند عبادت اهمیت دارد و هم برای خواص نتیجه هم به همراه لذت خواهد بود.

۳- تعامل انسانها و حسن خلق و محبت محوری در روابط اجتماعی: یکی دیگر از مبانی ارزشی که از آموزه های امام صادق (ع) استخراج می شود تعامل انسانها با یکدیگر و پرهیز از تک روی و عزلت است

خالطو الناس و آتوهم و اعینوهم و لا تجانبوهم و قولوا لهم كما قال الله «و قولوا للناس حسنا»

با مردم بیامیزید، در اجتماعشان شرکت کنید و آنان را در کارها یاری کنید؛ منزوی نشوید و از جامعه کناره نگیرید و همواره در معاشرت های اجتماعی دستور خداوند را بکار بندید که فرمود «با مردم به خوبی سخن بگویید و حسن برخورد داشته باشید»

محور اصلی تربیت رفتاری در تفکر امام صادق (ع) حسن خلق است. توجه به رفتار نیکو با دیگران تقریبا محور تربیتی تمامی معصومان است. ایشان همچنین به تربیت اجتماعی که در تفکر علمی معاصر به اهمیت آن تاکید می گردد و برای آن برنامه ارائه می شود نیز تاکید می کنند. نمی توان تعلیم و تربیت را بدون توجه به مواجهه متربی با سایرین و در کنار سایرین بودن در نظر گرفت.

ثلاثة تجب علی السلطان للخاصه و العامه: مكافاه المحسن بالاحسان ليزدادوا رغبه فيه، و تغمد ذنوب المسيء ليتوب و يرجع عن غيه، و تالفهم جميعا بالاحسان و الانصاف. (تحف العقول ص 319)

بر فرمانروایان واجب است که همواره سه وظیفه را درباره فرد و جامعه انجام دهند: اول، نیکوکاران را با پاداش نیک تشویق کنند تا مردم به کار خیر ترغیب شوند، دوم، گناه بدکار را مستور نگهدارند تا از کرده خود پشیمان شود و از راه نادرست بازگردد، سوم، با روشهای تفضل آمیز و منصفانه موجبات همبستگی و الفت جامعه را فراهم سازند.

ولا تكن فظا غليظا يكره الناس قريبا، و لا تكن واهنا يحقرک من عرفک
(تحف العقول، ص 304)

نه بد اخلاق و تندخو باش که مردم به ملاقاتت بی رغبت باشند و نه چنان سبک باش که هر که بشناسدت تورا خوار و حقیر شمرد.

حسن الخلق یزید فی الرزق (سفینه، ص 411)

خوش اخلاقی با مردم باعث افزایش روزی انسان می شود.

امام صادق (ع) تربیت را منحصر به امور فردی نمی دانند ایشان تربیت را وقتی محقق می دانند که در اجتماع و رابطه انسانها با یکدیگر نیز تحقق داشته باشد. تربیت اجتماعی از اهمیت خاصی در آموزه های تربیتی ایشان دارد. مهم ترین جلوه تربیت اجتماعی در نظر ایشان حسن خلق افراد اجتماع با یکدیگر و محبت محوری در روابط اجتماعی است. سه روایت فوق بر این محور می چرخد. بنیاد رفتاری جامعه چه از ناحیه حکومت و چه از ناحیه افراد جامعه باید بر اغماض و گذشت و تشویق نیکی ها و برنامه ریزی برای ازدیاد الفت اجتماعی باشد. البته باز هم ایشان توجه می دهند نرمی و مدارا نباید از مدار تعادل خارج شود و باعث سبک شدن افراد و از بین رفتن عزت فردی و اجتماعی گردد.

۴- توجه جدی به خانواده: در منظومه فکری امام صادق (ع) اهمیت خانواده و روابط انسانی و محبت آمیز خانوادگی و تاثیر و تاثیر که از این طریق برای انسان حاصل می شود تاکید شده است.

ان الله لیفلح بفلاح الرجل المومن ولده و ولد ولده (بحار ج 15، ص 178)

امام صادق (ع) فرمودند: با رستگاری مردان با ایمان، خداوند فرزندان و فرزندزادگان آنها را سعادت مند می کند.

امام صادق (ع) تاثیر منش پدران را در تربیت پنهان فرزندانشان در این روایت مشخص می کنند. در نظریه های آموزش توجه به تعلیم پنهان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به همین صورت تاثیر عمیق تربیت های پنهان در رشد و بالندگی کودک مورد تاکید قرار گرفته است. لذا حتی اگر پدری با سبک زندگی اسلامی و بر مبنای راستی و درستی در

خانواده حضور داشته باشد بدون آن که اقدامی تربیتی انجام دهد خود می تواند در راست و درست شدن فرزندان و حتی فرزندان فرزندان نیز موثر باشد. این سنت الهی در این روایت توجه داده شده است.

طوبی لمن كانت امه عفیفه (بحار ج 23، ص 79)

خوش به حال کسی که مادرش دارای گوهر عفت و طهارت باشد.

عوامل وراثتی نقشی تعیین کننده در تربیت یافتن افراد دارد. حضرت در این روایت به اهمیت تاثیر وراثتی مادران به تربیت شدن فرزندان اشاره می کنند. ایشان با ذکر «طوبی» نشان می دهند که با طهارت عرق، مراحل مهمی از تربیت گذر شده است و در مراحل بعدی است که باید عوامل دیگر تربیتی را بکار آورد.

یکی از مهم ترین جلوه های تربیت اجتماعی باید در خانواده دیده شود. امام صادق (ع) به صورتهای مختلف هرگونه محبت را در خانواده از ارزشهای تربیتی می دانند. باید توجه داشت که بین محبت به افراد خانواده و ابراز محبت فرق است. برخی محبت خویش را از افراد خانواده پنهان می کنند و به عللی این احساس خویش را بروز نمی دهند. در روایات بعدی امام صادق (ع) بر اهمیت رفتارهایی از انسان تاکید می کنند که نشان از احساس درونی انسان باشد. پدر و مادر نمی توانند به صرف محبت به فرزندشان که در تربیت اهمیت بسیاری دارد وظیفه خویش را در تربیت فرزندشان کافی بدانند. این محبت وقتی اثر گذار است که به بهترین وجهی بروز پیدا کند و رفتارهای فرد چه برای فرزند و چه برای دیگران نشان دهد که او احساسی محبت آمیز نسبت به فرزند دارد.

ان الله عزوجل لیرحم الرجل لئشده حبه لولده (مکارم الاخلاق، ص 113)

شخصی که نسبت به فرزند خود محبت بسیار داشته باشد مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند بزرگ است.

من قبل ولده كتب الله عز و جل له حسنه (کافی ج 6، ص 49)

آن کس که فرزند خود را ببوسد، حسنه ای در نامه عمل او ثبت خواهد شد.

قال قال رسول الله (ص): من قبل ولده كتب الله عز و جل له حسنه و من فرحه فرحه الله يوم القيامة (كافي ج 6، ص 49)

امام صادق (ع) فرمودند که پیامبر (ص) فرموده اند: آن کس که فرزند خود را ببوسد خداوند حسنه ای در نامه عمل او ثبت خواهد کرد و آن کس که فرزند خود را شاد کند خداوند او را در قیامت مسرور می نماید.

در دو روایت فوق به اهمیت بوسیدن فرزند اشاره شده است. ابراز محبت به فرزند می تواند به صورتهای مختلفی چه زبانی و چه عملی باشد ولی امام صادق در این میان بوسیدن فرزند را دارای وجهی بخصوص می دانند که نمی تواند بخاطر سایر وجوه محبت آمیز نادیده گرفته شود. حضرت ضمنا به نکته ای دیگر نیز اشاره دارند که محبت به فرزندان باید تاثیر عمیق روانی در فرزند داشته باشد. برخی افراد از سر محبت برای فرزندان کارهایی را انجام می دهند ولی خود طفل آن را نمی فهمد در نتیجه احساسی را در او بر نمی انگیزد. حضرت تاکید می کنند که این محبت ها باید موجب برانگیختن احساس شادی در طفل گردد تا تاثیر تربیتی خود را بگذارد.

قال جعفر بن محمد عليهما السلام، قال والدی: والله لاصانع بعض ولدی و اجلسه علی فخذی و اکثر له المحبه و اکثر له الشکر و ان الحق لغيره من ولدی، ولكن محافظه عليه منه و من غيره لئلا يصنعوا به ما فعل بيوسف اخوته. و ما انزل سورة يوسف الا امثالا لكيلا يحسد بعضنا بعضا كما حسد يوسف اخوته و بغوا عليه (مستدرک ج 2، ص 626)

امام صادق از پدر گرامی شان (عليهما السلام) نقل کردند که آن حضرت می فرمود: بخدا قسم رفتار من با بعضی از فرزندانم از روی تکلف و بی میلی است؛ او را روی زانوی خود می نشانم، محبت بسیار می کنم، از وی قدردانی می کنم، با این که احترام و تقدیر شایسته فرزند دیگر من است. به این تکلف تن می دهم، او و برادرانش را بیش از حد احترام می کنم برای این که فرزند شایسته ام از شر آنان در امان باشد؛ و این بلحاظ آن است که با فرزند عزیز من رفتاری که برادران یوسف با یوسف نمودند ننمایند. خداوند سوره یوسف را بر پیامبرش فرستاد تا تمثیلی باشد که افراد نسبت به یکدیگر حسد ورزی نکنند و مانند برادران حسود یوسف آلوده به حسد و ستم نشوند.

همانگونه که از روایت فوق برمی آید ابراز محبت وظیفه پدر و مادر است حتی اگر بدلایلی این محبت در آن حد ابراز شده نباشد. همانگونه که قبلا گفته شد از لحاظ تربیتی ابراز محبت مهم تر از خود محبت به فرزندان است. آرامشی که فرزند در اثر این ابراز محبت به دست می آورد او را از در غلطیدن به تنشهای زندگی مانند حسادت برحذر می دارد. در روایات دیگر آمده است که اگر کسی را دوست دارید به او متذکر شوید و صراحتا به او بگویید که دوستش دارید. ابراز محبت با تشویق فرق می کند. تشویق در قبال عملی است که فرزند انجام داده است ولی ابراز محبت انتقال احساس پدر و مادر است.

عن ابی عبد الله (ع) قال قال رسول الله (ص): احبوا الصبیان و ارحمهم و اذا وعدتموهم ففوا لهم فانهم لایرون الا انکم ترزقونهم (وسائل ج 5، ص 126)
کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربانی کنید و وقتی به آنها وعده ای می دهید حتما به آن وفا کنید زیرا کودکان، شما را رازق خود می پندارند.

امام صادق (ع) در این روایت به نکته مهمی در تربیت اشاره می کنند و آن توجه دادن والدین است به آن که منظر فرزندان به علت رشد نیافتگی با منظر رشد یافتگان تفاوت های اساسی دارد. یکی از ویژگی های رشد آن است که انسان برای هر واقعه ای بتواند یک عامل را علت نداند و عوامل متعدد و متنوع برای رسیدن به یک ویژگی را متوجه شود. کودکان هنوز به این مرحله نرسیده اند و برای هر چیز یک عامل خاص را علت تامه آن می دانند و در صورت مایوس شدن از این علت رسیدن به معلول را ناممکن تلقی می کنند. امام (ع) در این روایت تاکید می کنند که اطفال به همین جهت تنها منشا رزق خود را پدر و مادر می دانند و در اثر خلف وعده ناامیدی برای آنها بوجود می آید. گذشته از مطالب فوق، این روایت به نقش تربیتی عمل به وعده توسط پدر برای تربیت یافتگی فرزندان اشاره دارد که وفای به عهد را به فرزند می آموزد.

قال: صلی رسول الله (ص) بالناس الظهر؛ فحفف فی الرکعتین الاخیرتین. فلما انصرف قال له الناس: هل حدث فی الصلوه حدث؟ قال: و ما ذاک؟ قالوا: خففت فی الرکعتین الاخیرتین. فقال لهم: اما سمعتم صراخ الصبی؟ (کافی ج 6، ص 48)
امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول اکرم (ص) نماز ظهر را با مردم به جماعت می گذراندند، دو رکعت آخر را با سرعت برگزار کردند. پس از نماز، مردم پرسیدند:

یا رسول الله، آیا در نماز پیش آمده شد؟ حضرت پرسیدند: مگر چه شده است؟
عرض کردند: دو رکعت آخر را با سرعت ادا کردید. فرمودند: مگر صدای شیون و
گریه کودک را نشنیدید؟

بر اساس این روایت، پیامبر تاکید می کنند که مومن باید از رنج کودکان، به رنج بیاید و
مشغولیت‌های دیگر نباید مانع برطرف کردن رنج از کودک شود. مربی نمی تواند حتی در
باطن خود نسبت به رنج کودک بی تفاوت باشد.

۵- توجه دادن انسان به دوری از هوای نفس: آموزه های تربیتی غربی مخصوصا لیبرالیسم بر این
اساس بنا شده اند که رفاه را برای انسانها بیشتر گرداند تا انسان بتواند لذات خود را بیشتر بدست
آورد؛ اما این نگاه به انسان، او را از تعالی معنوی باز خواهد داشت. تعالی معنوی وقتی حاصل
خواهد شد که لذات مادی ملاک اصلی زندگی اش نباشد. به همین جهت امام صادق (ع)
همانند سایر معصومان توجه می دهند که هواهای نفسانی نباید پیشران زندگی بشری باشد،
بلکه تمامی هواها باید در مجموعه متعالی شدن او تعریف گردد.

لا تدع النفس و هواها، فان هواها رداها (کافی ج 2، ص 336)

نفس خویش را با خواهشهای گوناگونش آزاد مگذار؛ زیرا همان تمایلات آزاد باعث
سقوط و هلاکش خواهد شد.

۶- دسته بندی انسانها بر اساس ایمان و تعیین تکالیف بر این اساس: در نظام تربیتی امام صادق
(ع) ارزش انسانها بر اساس ایمان آنهاست. اگر کسی آلوده به گناهی باشد نمی توان گفت که او
خود این زندگی را انتخاب کرده است و باید به انتخاب هر کس احترام گذاشت. اگر کسی اهل
معاصی باشد باید نسبت به او عکس العمل منفی داشت؛ لذا این احترام کاذب شایسته آنها
نخواهد بود. اما در واکنش نسبت به افراد اهل معصیت فقط باید بگونه ای رفتار کرد که نشان
دهد در نظام ارزشی یک مومن، معصیت باعث از بین رفتن احترام و حرمت می گردد و کار آلوده
به گناه در نظر او مذموم است.

عن ابی عبد الله (ع) قال: قال امیر المومنین امرنا رسول الله صلی الله علیه و آله
ان نلقى اهل المعاصی بوجه مکفهره (وسائل ج 4، ص 68)

امام صادق از امیرالمومنین علیهماالسلام نقل کرده اند که پیامبر اکرم (ص) امر فرمود که ما با گناهکاران عبوس و ترشرو برخورد کنیم.

۷- توجه به ارزشهای متعالی و معنوی در نظام تربیتی امام صادق (ع): برترین مرحله تربیت در آموزه های امام صادق (ع)، ارتباط او با خداوند و متعالی شدن او در این ارتباط است؛ ایشان چنین می فرمایند:

قول «لا اله الا الله» ثمن الجنه.

گفتن کلمه توحید «هیچ معبودی جز خداوند نیست» قیمت بهشت است. یکی از اولین تربیت های کودک یاد دادن ارتباطهای او با خداوند است. آوردن خداوند در زندگی و اندیشه و عمل طفل از وظایف اصلی پدر و مادر است. به همین جهت تربیتی که در آن معبود بودن خداوند آموخته نشود دور شدن از عاقبت بخیری است. نتیجه تربیت باید بتواند موقعیت ممتازی برای فرد در آخرت ایجاد کند. لذا تربیت باید همواره در جهت قرب اشخاص به خداوند جهت دهی شود.

اوحی الله عز و جل الی داود (ع): یا داود بی فافرح و بذکری فلتنذ و بمناجاتی فتنعم (امالی صدوق، ص 118)

خداوند به حضرت داود وحی فرستاد که ای داود به من بیندیش و شاد باش، بایاد من معنای لذت را بچش، و با مناجات من متنعم شو. گذشته از معنایی که قبلا از این روایت شد، مطلب دیگری که این روایت تاکید می کند آن است که مربی همواره باید شادی ها و لذت های متربی را به سمت لذت های بالاتر و شادی های افزون تر و پاک تر و اصیل تر سوق دهد. تربیت سکولار غربی تربیت را فقط در حدی می داند که کودک را به شادی و لذت مادی زندگی دنیوی او برساند و این شادی و لذت مانعی برای دیگران ایجاد نکند. تربیت اسلامی این مقدار از لذت را نه تنها کافی نمی داند بلکه اگر باعث شود که شادی و نشاط مادی، فرد را از لذتهای بالاتر معنوی محروم کند مذموم شمرده است.

قال فی قوله تعالی «من استمسک بالعروه الوثقی» قال (ع): هی الایمان بالله وحده لاشریک له.

از ایشان درباره معنای آیه «آن کس که به ریسمان محکم خدا چنگ زده است» پرسیدند. فرمودند: همان ایمان به خداوند و وحدانیتش و اینکه هیچ شریکی ندارد می باشد.

۸- برنامه داشتن برای زندگی: یکی از اصول تربیت شدن آن است که فرد از بی برنامه گی در زندگی پرهیز کند و برای زندگی خود برنامه مشخصی داشته باشد تا توجه بیش از حد به یک برنامه، او را از سایر برنامه های مهم زندگی اش بازنندارد. امام صادق (ع) برنامه متعادل و متناسب و ارزشمند در زندگی را ترسیم می کنند و ارزش را در نوع زندگی می دانند که برنامه خاصی را دنبال کند. برنامه مطلوب در نظر ایشان به این صورت است:

ينبغي للمسلم العاقل ان يكون له ساعه يفضى بها الى عمله فيما بينه وبين الله عز و جل وساعه يلقى اخوانه الذين يفاوضهم و يفاوضونه في امر آخرته و ساعه يخلى بين نفسه و لذاته في غير محرم فانها عون على تلك الساعتين
(كافي ج 5، ص 87)

شایسته است مسلمان عاقل ساعتی از روز خود را برای کارهایی که بین او خداوند است اختصاص دهد و ساعتی را با برادران دینی در امور معنوی و اخروی به گفتگو پردازد و آنها نیز با او گفتگو کنند؛ و ساعتی خود را با لذایذ نفسانی اش که گناه نباشد آزاد بگذارد، چه این ساعت به توفیق در دو ساعت دیگر کمک می کند.

ایشان همچنین مومنان را از برنامه های تحمیلی از جانب نزدیکان برحذر می دارند:

عن ابي يعفور عن ابي عبد الله (ع) قال: قلت له انى اريد ان اتزوج امراه و ان ابوى اراد غيرها، قال (ع): تزوج التى هويت و دع التى يهوى ابواك (كافي ج 5، ص 401)

ابن ابی یعفور به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من می خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم علاقه دارند زن دیگری را به همسری خود درآورم. حضرت فرمودند: زن دلخواه خودت را بگیر و با آنچه که والدینت می خواهند کاری نداشته باش.

در این روایت حضرت تاکید می کنند که مصلحت اندیشی پدران و مادران نمی تواند اختیار فرزند را سلب کند. تاکید بر انتخاب فرد و اهمیت دادن به اختیار افراد در زندگی، یکی از

اصول مهم تربیتی است که مکتب تربیتی امام صادق (ع) به آن اشاره می کند. تحمیل دیدگاه در تربیت دینی جایگاهی ندارد.

۹- توجه به انگیزه ها و حسن فاعلی: در آموزه های تربیتی امام صادق (ع) رفتار خوب تنها میزان سنجش شایستگی نظام ارزشی نیست بلکه انگیزه های افراد از انجام رفتارهای خوب نیز اهمیت بسیاری دارد. نظام های تربیتی غربی تنها رساندن متربی به انجام رفتار خوب را وجهه همت خود قرار داده اند چرا که به سختی می توانند به نیت افراد در رفتارهایشان دست پیدا کنند. در حالی که در نظام دینی، چون علم خداوند به نیت افراد تحقق می یابد می توان از ملاک دیگری بنام انگیزه از انجام عمل نیز سخن گفت. امام صادق (ع) همانند سایر اولیاء دین به اهمیت نیت در کار تذکر می دهند و آن را یکی از ملاکهای مهم تربیت یافتگی می دانند.

النیه افضل من العمل. الا و ان النیه هو العمل، ثم تلا قوله عز و جل: «قل كل يعمل على شاكلته» یعنی علی نیته (وسائل ج 1، ص 6)

ارزش و فضیلت نیت از عمل بیشتر است، بلکه عمل، خود جلوه و ظهور نیت است. خداوند در قرآن فرموده است: «هرکس مطابق شاکله خودش رفتار می کند» و شاکله یعنی نیت.

۱۰- بالا بردن سطح درک عقلی انسانها: در نگرش تربیتی امام صادق (ع) اطاعت کر و کور از دستورات دینی چندان ممدوح نیست. انسانها باید بتوانند بیندیشند و عقل خویش را برای تبیین آموزه های دینی بکار ببرند. در مکتب اهل بیت علیهم السلام عقل جایگاه خاصی دارد و تربیتی را شایسته می دانند که پاب پای عقل پیش رود و از تقلید کورکورانه پرهیزد. به همین جهت امام صادق (ع) با انواع دیدگاهها به بحث می نشستند و مجال طرح شبهات را می دادند تا به شیعیان خود بیاموزند که آموزه های دینی باید عقل بنیاد نیز باشد. نمونه هایی از سیره عملی ایشان در این زمینه در روایت های زیر آمده است:

و من سوال الزندیق ... انه قال: كيف يعبد الله الخلق و لم يروه؟ قال (ع): راته القلوب بنور الايمان و اثبتته العقول بيقظتها اثبات العيان... قال: اليس هو قادر ان يظهر لهم حتى يروه فيعرفونه فيعبد على يقين؟ قال (ع): ليس للمحال جواب. مرد زندیقی از امام صادق علیه السلام مسائل چندی پرسید و از آن جمله این بود که چگونه مردم خدار پرستش کنند با آن که او را ندیده اند؟ حضرت فرمودند: دیده

دل، خدا را با نور ایمان می بیند و عقلهای بیدار او را مانند یک حقیقت مشهود اثبات می کنند. مرد سوال کرد: آیا خداوند قادر نیست که خود را به مردم بنمایاند تا او را مشاهده کنند و بخوبی بشناسند و با یقین و اطمینان خاطر پرستش نمایند؟ حضرت فرمودند: امر محال جواب ندارد.

عن ابی عبد الله علیه السلام انه قال للزندیق حین ساله ما هو؟ قال: هو شیئ بخلاف الاشیاء؛ ارجع الی قولی الی اثبات المعنی، و انه شیئ بحقیقه الشیینیه غیر انه لاجسم و لا صوره و لا یحس و لا یدرک بالحواس الخمس؛ لا تدرکه الاوهام و لا تنقصه الدهور و لا تغیره الزمان. (کافی ج 1، ص 83)

یکی از زنادقه از امام صادق علیه السلام سوال کرد: خدا چیست؟ حضرت فرمودند: او چیزی است برخلاف تمامی اشیاء؛ برای فهمیدن این مطلب به سخن من توجه کن: او چیزی است به حقیقت شیئیت، جز آن که جسم و صورت نیست، ملموس و محسوس نیست و با حواس پنجگانه قابل دریافتن نیست، اوهام از فهمش ناتوان هستند، تحول روزگار باعث افت او نمی شوند و تغییر زمان دگر گونش نمی کند.

فقال (ع) له (ابن ابی العوجاء) ماجاء بک هذا الموضع؟ فقال: عاده الجسد و سنه البلد، و ننظر ماالناس فیه من الجنون و الحلق و رمی الحجاره. فقال له العالم (ع): انت بعد علی عتوک و ضلالک یا عبد الکریم! فذهب یتکلم فقال له: لا جدال فی الحج و نفض ردائه من یده و قال: ان یکن الامر کما تقول و لیس کما تقول، نجونا و نجوت؛ و ان یکن الامر کما نقول و هو کما نقول نجونا و هلکت. فاقبل عبدالکریم علی من معه، فقال: وجدت فی قلبی حزازة، فردونی. فردوه فمات. (بحار ج 1، ص 77)

حضرت صادق علیه السلام از ابن ابی العوجاء پرسیدند چه شده است که به این طرفها آمده ای؟ پاسخ داد: یکی عادت بدنی و دیگر آداب و رسوم جامعه؛ همچنین برای آن که کارهای جنون آمیز و سرتراشیدن و سنگ انداختن مردم را ببینم. امام علیه السلام فرمودند: تو همچنان در گردنکشی و گمراهی ات پافشاری می کنی. سپس در حالی که سخن می گفتند به راه افتادند و فرمودند: در ایام حج مجادله و یکی به دو کردن ممنوع است. آن گاه دامن عبا را با دستشان تکان دادند و فرمودند: اگر حقیقت آنگونه باشد که تو می گویی در حالی که واقعا آنگونه نیست،

ما و تو هر دو نجات پیدا می کنیم. اما اگر حقیقت آنگونه باشد که ما می گوییم، و واقعا نیز آنگونه است، ما نجات می یابیم و تو هلاک خواهی شد. در این موقع ابن ابی العوجاء به همراهانش گفت: در قلبم احساس درد و ناراحتی می کنم؛ مرا به خانه برگردانید. به خانه بردنش و طولی نکشید که از دنیا رفت.

یکی از ویژگی های سیره تربیتی امام صادق (ع) آن است که با اندیشه باطل نمی توان جز با اندیشه درست مقابله کرد. برطرف کردن شبهات از جانب مخالفان - حتی اگر به اصلاح مخالف امیدی نباشد - نشان می دهد که امام راه مقابله با اندیشه و شبهات باطل را تعقل کردن و نشان دادن کژی آن اندیشه ها و ایجاد زمینه برای طرح اندیشه صحیح می دانند. یعنی صبر و رسیدن و رساندن به دیدگاه درست باید سرلوحه رفتارهای کلیه مومنان باشد و از برخورد های تند عجولانه بپرهیزند.

۱۱- میانہ روی در توجہ بہ دنیا و آخرت: برخی نظامهای دینی تمام وجهه همت خود را بر آخرت

اندیشی گذاشته اند و دنیا گریزی را تربیت مناسب می دانند. در نظام تربیتی اهل بیت علیهم السلام آخرت اندیشی صرف مذموم است، مخصوصا وقتی که توجه یک فرد به آخرت باعث شود که در امور ضروری دنیایش به دیگران وابسته باشد. تربیت باید بگونه ای باشد که فرد در توجه به دنیا و آخرت میانہ روی داشته و به هر دو در یک نظام واحد فکری توجه داشته باشد. زیاده روی در هریک، تربیت متناسبی را بدنبال نخواهد آورد:

لا خیر فیمن لا یحب جمع المال من حلال یکف به وجهه و یقضی به دینه و یصل به رحمہ (وسائل ج 4، ص 102)

خیر و خوبی در آن کس نیست که علاقه ندارد از راه حلال جمع مال کند تا بدان وسیله آبروی خود را حفظ کند، نفقات واجب خود را بپردازد، و به خویشاوندانش کمک و محبت کند.

امام صادق علیه السلام بی توجهی به دنیا به علت پرداختن به آخرت که در نتیجه انسان را فردی وابسته به دیگران سازد مذموم می دانند.

عن ابیعبدالله (ع) قال: قال رسول الله (ص): ملعون ملعون من القی کله علی الناس (وسائل ج 5، ص 133)

امام صادق (ع) از حضرت رسول اکرم (ص) نقل کرده اند که ایشان دویار لعنت فرستادند بر کسی که بار زندگی خویش را بر دوش دیگران بیفکند.

همچنین زیاده روی در توجه به آخرت را نیز نیکو نمی دانند:

لا تکرهوا الی انفسکم العباده (کافی ج 2، ص 85 و 86)
عبادت خداوند را با وجود خستگی و بی میلی بر خود تحمیل ننمایید.

قال: اجتهدت فی العباده و انا شاب، فقال لی ابی: یا بنی دون ما اراک تصنع؛ فان الله عز و جل اذا احب عبدا رضی منه بالیسیر (کافی ج 2، ص 87)
امام صادق علیه السلام فرمودند: من جوان بودم و در عبادت کوشش بسیار می کردم. پدرم به من فرمود: کمتر از این مقدار عبادت که از تو می بینم بجای آور، زیرا وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد با عبادت کم از او راضی می شود.

۱۲- تکالیف تربیتی پدر و مادر در قبال فرزند: یکی از مهم ترین مریبان کودک و نوجوان پدر و مادر او هستند. امام صادق (ع) آموزه هایی را برای پدران و مادران در جهت تربیت فرزندانشان مطرح می کنند تا فرزند انسان از تربیت صحیح برخوردار شود.

قال قال رسول الله (ص): رحم الله من اعان ولده علی بره. قال قلت کیف یعینه علی بره؟ قال یقبل المیسوره و یتجاوز عن معسوره و لا یلحقه و لا یخرق به (کافی ج 6، ص 50)

امام صادق (ع) فرمودند که رسول اکرم (ص) فرموده اند: خداوند رحمت کند کسی را که در نیک شدن به فرزند خود کمک کند. پرسیده شد: چگونه بر نیکی او را یاری کند؟ حضرت فرمودند: آنچه که کودک در توان دارد و انجام داده است از او قبول کند، آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرساست از او نخواهد، و به او ستم نکند و او را به نادانی و حماقت نیندازد.

امام صادق (ع) در این روایت می فرمایند که نیکوکار شدن فرزند مبتنی بر تلاش و انتخاب خود اوست ولی پدر و مادر می توانند نقش یاری کننده او را داشته باشند. برای نیکوکار شدن فرزند باید به او اجازه سعی و خطا داد تا تمرین انتخاب نیکی را داشته باشد. ایشان از

طرف دیگر یکی از موانع خوب شدن فرزند را ظلم به او و یا تحقیر او می دانند. این دو، مانع بالندگی فرزند شده و ریشه های خیر گزینی را در او می خشکاند.

بادروا احداثکم بالحديث قبل ان يسبقكم اليهم المرجئه (کافی ج 6، ص 47)
احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در این وظیفه تسریع نمایید پیش از آن که مخالفان گمراه بر بر شما پیشی گیرند و گمراهشان سازند.
امام (ع) تاکید می کنند که استوار ساختن اندیشه های نوجوانان به حرف حق باید قبل از هرگونه مواجهه او با مسیرهای انحرافی باشد. ایشان تربیت درست را مجهز کردن اندیشه نوجوان و ساختار منطقی دادن به ذهن او می دانند تا با حمله های گاه و بیگاه دیدگاههای ظاهر فریب باطل، قبلا تجهیزات لازم را بدست آورده باشد. بدین ترتیب مربی باید بخشی از کار خود را آشنا ساختن متربی با اندیشه های استوار قرار دهد.

اذا بلغت الجاریه ست سنین فلا ینبغی لک ان تقبلها (وسائل ج 5، ص 28)
وقتی دختر بچه ای به سن شش سالگی رسید شایسته نیست او را بیوسی.
تربیت جنسی یکی از ضرورت های تربیت کودکان است. یکی از روشهای مهم در جلوگیری از انحرافهای جنسی در بزرگسالی در نظر امام صادق (ع) آن است که از زمانی که طفل می تواند به مقدار بسیار کم هم تحریک جنسی شود از هرگونه تحریک او خودداری شود. به همین جهت چند سال قبل از بلوغ باید از کارهایی مثل بوسیدن که در تحریک او می تواند موثر باشد دوری گردد. جالب آن است همان بوسیدن فرزند که در چند روایت قبلی باعث بهشتی شدن پدر و مادر می گردید در سنین بالاتر می تواند از جنبه ای دیگر آثار سوء داشته باشد.

آن خیر ما ورث الالباء لابنائهم الادب لا المال (روضه کافی، ص 150)
بهترین ارث و یادگاری که پدران برای فرزندان خود باقی می گذارند ادب و تربیت صحیح است نه ثروت و مال.
امام (ع) دغدغه پدر و مادران برای رفاه و آسایش فرزندان را آنچنان دارای اهمیت نمی دانند که مودب شدن او اهمیت دارد. پدر و مادر تمامی هم و غم خود را باید مصروف بالا

بردن ادب فرزندان‌شان کنند و بخشش‌های مادی مالی به فرزندان در درجه اهمیت بعدی است. به همین جهت است که علی علیه السلام نیز تاکید می‌کند که هیچ ارثی برای فرزندان مفیدتر از ادب نیست.

۱۳- تاکید بر علم اندوزی و عظمت علم: در نظام ارزشی اهل بیت علیهم السلام، علم اندوزی و اشتغال مداوم به رشد علمی یکی از مهم‌ترین ارزشهاست که متربی باید همواره در این جهت تلاش داشته باشد. به همین جهت یکی از دستورهای تربیتی ایشان این است که متربی باید بگونه‌ای تربیت شود که شوق به علم اندوزی در او شعله ور باشد:

الناس ثلاثة؛ عالم و متعلم و غناء (کافی، ج 1، ص 34)

مردم سه گروهند؛ گروه اول دانشمندان هستند و گروه دوم دانشجویان و اگر از این دو دسته نباشند ناگزیر از دسته سوم هستند که همان خار و خاشاک روی سیل هستند.

لست احب ان اری الشاب منکم الا غادیا فی حالین: اما عالما او متعلما؛ فان لم یفعل فرط، فان فرط ضیع، فان ضیع اثم، و ان اثم سکن النار (بحار، جلد 1، ص 55)

دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر آن که در یکی از این دو حالت فعالیت روزانه اش را شروع کند: یا دانشمند باشد و یا دانشجو. پس اگر چنین نباشد کوتاهی کرده است، در اثر کوتاهی نیز تضییع (عمر) کرده است، و با تضییع عمر گناه کرده است و چنانچه جزء گناهکاران باشد در آتش است.

لا یستغنی اهل کل بلد عن ثلاثة یفزع الیه فی امر دنیاهم و آخرتهم؛ فان عدموا ذلک کانو همجا: فقیه عالم ورع، و امیر خیر مطاع، و طبیب بصیر ثقہ (تحف العقول ص 321)

مردم تمام سرزمین‌ها از سه طبقه بی‌نیاز نیستند تا در تنظیم امور دنیا و آخرت خود به آنان پناهنده شوند، و اگر در جامعه‌ای این سه نباشند مردم در سردرگمی زندگی می‌کنند: اول، فقیه‌ای که دانا و باتقوا باشد، دوم، فرمانروایی که خیرخواه باشد و مردم از او فرمان برند، و سوم، پزشکی که در کارش بینش داشته باشد و مورد اعتماد مردم باشد.

۱۴ - مبارزه با خرافات: هرگونه خرافه اندیشی در نظام ارزشی امامان ما، مخصوصاً امام صادق (ع) مذموم است. ایشان مبارزه با خرافات (حتی اگر در برخی موارد فایده هایی داشته باشد) را ترویج می کردند. هرگونه نشو و نمو گرفتن خرافات را در اجتماع ممنوع اعلام می کنند:

عن الهيثم بن واقد قال: قلت لابي عبد الله (ع): ان عندنا بالجزيره رجلا ربما اخبر من ياتيه يساله عن الشيء يسرق او شبه ذلك؛ افسئله؟ فقال (ع): قال رسول اله (ص): من مشى الى ساحر او كاهن او كذاب يصدقه بما يقول فقد كفر بما انزل الله من كتاب. (سفینه، ج 2، ص 500)

هیشم بن واقد می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که در منطقه جزیره مردی در بین ماست که گاهی از مال به سرقت رفته یا چیزی نظیر آن به کسانی که از وی پرسش می کنند خبر می دهد، آیا مجازیم به او مراجعه کنیم؟ در جواب فرمودند: رسول گرامی (ص) فرموده اند هرکس به منظور آگاهی از امور غیبی نزد ساحر یا کاهن یا دروغگو برود و گفته وی را تصدیق نماید به آنچه خداوند از کتابهای آسمانی نازل فرموده کفر آورده است.

نتیجه:

گرچه امام صادق (ع) به علت موقعیت امام معصوم بودن، لازم نیست که نظامی تربیتی را بیان کند ولی از آنجا که تربیت انسانها و دستورات تربیتی یکی از مهم ترین اهداف انبیاء و معصومان بوده است، لذا حضرت در موارد بسیاری به اصول تربیتی اشاره می کنند. ایشان این اصول را در موقعیت های مختلف در قالب تک روایتهایی بیان کرده اند. با جمع آوری دستور العمل هایی که ایشان فرموده اند می توان به اصولی تربیتی دست یافت که ما را به چهارچوب تفکر شیعی نسبت به تربیت آگاه می سازد. گرچه تربیت در قرن بیستم رسماً به عنوان یک علم ارائه شد و طی آن نیز اندیشمندان غربی دیدگاههایی را مطرح کردند ولی بسیاری از اصول تربیت را می توان از روایات امام صادق (ع) استخراج کرد که ضمن توجیه علمی می تواند به عنوان نظریه ای رقیب برای تفکر سکولار باشد و ضمن طرد ارزشهای غربی به یک نظام معرفتی تربیتی ارزشمند و خدامدارانه در مکتب اهل بیت رسید.

اصولی که از مجموعه برخی از روایات آن بزرگوار بدست آوردیم از قرار زیر است:

- درک محدودیت های انسانها و توجه به تفاوت های فردی،
- اهمیت دادن به امید و نشاط متعادل در فعالیتها،
- ارزش گذاشتن به تعامل انسانها باهم،
- اهمیت شکل گیری تربیت در محیط خانواده و نقش تعیین کننده خانواده در تربیت،
- توجه دادن متربیان به دوری از هوای نفس،
- ارزش گذاری تربیتی برای انسانها بر اساس ایمان و تعیین تکالیف بر اساس آن،
- توجه دادن به ارزشهای متعالی در تربیت،
- تاکید بر برنامه ریزی برای زندگی،
- اهمیت داشتن تربیت انگیزه ها و نیت های متربیان،
- توجه و تاکید بر رشد عقلی و منطقی در تربیت،
- میانه روی در توجه به دنیا و آخرت،
- اهمیت حسن خلق و محبت محوری در روابط اجتماعی،
- تنبه دادن وظایف تربیتی پدر و مادر در قبال فرزندان،
- تاکید بر علم اندوزی و ارزش گذاری برای رشد علمی،
- مبارزه با خرافات.

منابع :

قرآن مجید.

- ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ ق) شرح نہج البلاغہ لابن ابی الحدید معتزلی، کتابخانہ آیت اللہ نجفی مرعشی، قم.
- حرانی، آل شعبہ (۱۳۶۳) تحف العقول عن آل الرسول علیہم السلام، با تصحیح و نشر علی اکبر غفاری، قم.
- شیخ حر عاملی (۱۴۱۴) وسائل الشیعہ، آل البيت لاحیاء التراث، قم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م) مکارم الاخلاق، مقدمہ و تعلیق محمد الحسین الاعلمی، مؤسسۃ الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۴۴) سفینہ البحار، دار الاسوہ، قم.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۳۶۴ ش) الروضہ من الکافی، با ترجمہ ہاشم رسولی، علمیه اسلامیہ، تہران.
- کلینی، محمد ابن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) الکافی، با تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیہ، تہران.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا) بحار الانوار، دار الکتب الاسلامیہ، تہران.
- محمد ابن بابویہ (صدوق) (۱۳۴۹) الامالی للشیخ الصدوق، با ترجمہ محمد باقر کمرہ ای، کتابخانہ اسلامیہ، تہران.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل، مؤسسۃ آل البيت لاحیاء التراث، بیروت.
- ورام، مسعود ابن عیسی (۱۳۶۹) مجموعہ ورام: آداب و اخلاق در اسلام، مترجم: محمدرضا عطائی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد مقدس.